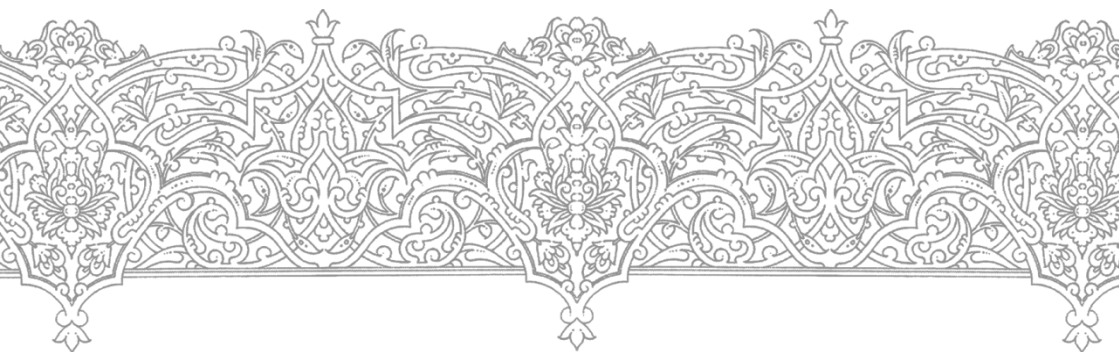




ویژگی های جغرافیایی جهان اسلام

غلامرضا گلی زواره



موقعیت جهان اسلام

در مورد جهان اسلام اظهار نظرهای متفاوتی ارائه شده است. اما در مجموع این عنوان، شامل کشورهای مسلمان است که اکثریت مردمان آن دین اسلام را اختیار کرده اند و نیز اقلیت های مسلمان که در نواحی دیگر سکونت دارند تحت این عنوان قرار می گیرند. اصولاً عالم اسلام، شامل نقاطی از کره زمین می شود که در آن جا قوانین اسلامی و مقررات شرعی حداقل در بین مردم حضور دارد و جلوه هایی از باورهای قرآنی در فرهنگ، آداب و رسوم، آموزش ها و مناسبات مردم قابل مشاهده است. اما سرزمین های اسلامی با نواحی مسلمان نشین تفاوت دارد، کشورهای اسلامی افزون بر اکثریت مسلمان، غالباً عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند و در قانون اساسی آنها، اسلام به عنوان آیین رسمی، شناخته شده است، ولی در نواحی مسلمان نشین این ویژگی وجود ندارد و صرفاً آثار دیانت اسلام را در رفتار فردی و اجتماعی مردم مسلمان این سامان می توان شاهد بود و چه بسا که آنان با دولت مرکزی در تعارض سیاسی و فرهنگی باشند و در معرض فشار و تهدید هم قرار گیرند. به جهان اسلام «دارالاسلام» نیز می گویند و منظور از این قلمور، مناطقی است که انسان های معتقد به مبانی اسلامی را در خود جای داده است و شامل همه گروندگان این مکتب صرف نظر از خاک، رنگ، پوست، نژاد، زبان و ... می گردد چنان که جبهه مخالف نیز متشکل از نقاطی خواهد بود که ملل غیرمسلمان را پذیرا می باشند.

جهان اسلام محدوده بسیار گسترده ای است که از کرانه شرقی اقیانوس اطلس تا حد فاصل قاره های آسیا و اقیانوسیه را دربر می گیرد. 54 کشور اسلامی در مجموع 31533000 کیلومتر مربع مساحت دارند که 24 درصد خشکی های جهان را تشکیل می دهد و مناطق وسیعی از قاره آسیا و آفریقا را در بر می گیرد. سرزمین های اسلامی بین 20 درجه طول غربی از نصف النهار گرینویچ و 140 درجه طول شرقی، و نیز بین 10 درجه عرض جنوبی و 50 درجه عرض شمالی از خط استوا قرار دارند. غربی ترین آنها در غرب آفریقا است که سنگال نام دارد و شرقی ترین آنها، کشور اندونزی واقع در آسیای جنوب شرقی می باشد. بین غربی ترین و شرقی ترین کشور مسلمان، حدود ده ساعت اختلاف زمان دیده می شود. ترکیه و آلبانی، شمالی ترین، و اندونی، جنوبی ترین سرزمین اسلامی است. وسیع ترین کشور اسلامی، سودان واقع در صحرای کبیر آفریقا بوده که 8400 برابر کوچک ترین کشور اسلمی، یعنی مالدیو است که در غرب سریلانکا قرار دارد. برخی پژوهشگران جهان اسلام را به لحاظ پایگاه تاریخی و مقر فرمانروایان گذشته، دوری و نزدیکی به قبله گاه مسلمانان به دو بخش مرکزی و پیرامونی تقسیم می کنند و در این دیدگاه، کشورهایی در موقعیت مرکزی قرار می گیرند که در توسعه نخستین اسلام در قرون اولیه هجری

جزو قلمرو خلافت های اسلامی بوده اند. خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوب غربی چنین وضعی دارند و آفریقای غربی، مرکزی، آسیای جنوب و جنوب شرقی در حوزه پیرامونی قرار می گیرند.

ژئواستراتژی کشورهای اسلامی

مجموعه عظیم جغرافیایی جهان اسلام با یازده هزار کیلومتر از غرب تا شرق و پنج هزار کیلومتر بین جاوه و قزاقستان، تشکیل تقاطعی با دیگر مجموعه های جغرافیایی می دهد که به همان اندازه اهمیت دارد. کشورهای اسلامی در مرزهای شمالی خود با دو سرزمین پهناور روسیه و چین محدود می شود و در جنوب، هندوستان آن را به دو نیمه تقسیم می کند. وجود اقیانوس اطلس، آرام و هند در غرب، شرق و جنوب کشورهای اسلامی به این سرزمین ها نقش نگین ماندنی ارزانی داشته است. اگرچه وجود این اقیانوس ها در قرون اخیر سبب نقل و انتقالات دامنه دار نظامی کشورهای سلطه گر برای به انقیاد درآوردن کشورهای اسلامی گشته و این روند آسیب های فراوانی به آنان وارد کرده است، اما همسایگی کشورهای اسلامی با این منابع آب های آزاد جهان، موقعیت سیاسی و سوق الجیشی آنان را ارتقا داده است. به علاوه راه داشتن موقعیت های اقیانوسی و دریایی، موجب گسترش تجارت از راه دریا می گردد که ارزان ترین وسیله حمل و نقل بین المللی است. توسعه قدرت دریایی باعث کنترل بر آبراه های دریایی، افزایش پایگاه های دریایی و تقویت قدرت ملی و تهدید منافع رقبا می شود، از مزایای این ارتباط است. همچنین این کشورها می توانند از منابع معدنی دریاها و اقیانوس ها، از قبیل نفت فلات قاره و نیز منابع غذایی آبزیان بهره مند شوند.

کشورهای اسلامی کانال ها، تنگه های آبی و جزایر مهم را در اختیار دارند یا در کنار آنها واقع شده اند. ایران، عمان، ترکیه، و مصر از چنین اهمیتی برخوردارند. ایران با قرا گرفتن در سراسر شمال خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و در اختیار داشتن حدود 31 جزیره در دهانه تنگه هرمز و داخل خلیج فارس و برخورداری از امکان نظارت بر عبور و مرور کشتی ها، موقعیت راهبردی منحصر به فردی دارد. تنگه هرمز، راه عبوری نفت از خلیج فارس به بازارهای جهانی است که بین ایران و عمان قرار دارد. تنگه بسفر و داردانل بین ترکیه آسیایی (اناتولی) و اروپایی قرار گرفته که دریا رسیاه را به دریای مدیترانه متصل می کند. تنگه جبل الطارق، ارتباط دهنده دریای مدیترانه، به اقیانوس اطلس است و در قاره اروپا و آفریقا را از هم جدا می کند و کشور اسلامی مراکش در ساحل جنوبی آن قرار دارد. کانال سوئز با 177,7 کیلومتر طول و بین 80 تا 150 متر عرض در سرزمین مصر است که دریای سرخ را به دریای مدیترانه وصل می کند و در سال 1376 ق (1956 م) جمال عبدالناصر آن را ملی اعلام کرد. تا قبل از احداث این کانال در

سال 1286 ق (1869 م) تمامی کشتی های اقیانوس پیما بین اروپا با اقیانوس هند و خلیج فارس، باید از دماغه امیدنیک در نوک جنوبی آفریقا عبور می کردند که مستلزم صرف وقت، ائتلاف انرژی و هزینه بیشتری بود. تنگه باب المندب که اقیانوس هند را به دریای سرخ ربط می دهد، بین دو کشور اسلامی حیوتی و یمن قرار گرفته و قاره های آفریقا و آسیا را از هم جدا می کند. تنگه مالاکا واقع در آسیای جنوب شرقی، بین کشورهای سنگاپور، مالزی و تایلند از یک طرف و اندونزی از سوی دیگر قرار دارد. این تنگه، ارتباط دهنده اقیانوس آرام و هند از پر رفت و آمد ترین راه های کشتیرانی جهان است و تانکرهای غول پیکر حامل نفت خاورمیانه به سوی شرق آسیا از آن می گذرند. طول این تنگه هشتصد و عرض آن بین 64 تا 249 کیلومتر است.

فرورفتگی آب در خشکی، پدیده ای به نام خلیج را به وجود می آورد که می تواند برای کشورهای که در ساحل آن قرار دارند، اهمیت وصف ناپذیر اقتصادی، سیاسی و نظامی داشته باشد. جهان اسلام افزون بر خلیج فارس که مشهورترین، حیاتی ترین و مهم ترین خلیج های دنیا اسلام است، این خلیج ها را نیز در اختیار دارد: خلیج عدن در جنوب یمن، خلیج گینه در آفریقای غربی، خلیج بنگال در جنوب بنگلادش، خلیج اسکندریه در شمال مصر، خلیج سرت در شمال لیبی، خلیج تونس در شرق کشور تونس، خلیج اسکندرون در جنوب ترکیه و دریاچه های جهان اسلام نیز حائز اهمیت هستند. بزرگ ترین آنها دریای خزر است که با چهارصد هزار کیلومتر مساحت، بین ایران، کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز و روسیه قرار دارد. دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران، دریاچه ویکتوریا بین کنیا، تانزانیا و اوگاندا که سرچشمه نیل سفید هم می باشد، دریاچه چاد بین کشورهای چاد، نیجر و نیجریه، و دریاچه بحرالمیت به عنوان گودترین دریاچه جهان در کشور اردن، از دیگر منابع آبی داخل کشورهای مسلمان به شمار می آیند.

طولانی ترین رودخانه دنیای اسلام، نیل است که با 6400 کیلومتر طول، در آفریقای شرقی جریان دارد و به دریای مدیترانه می ریزد. زاینده رود، کارون، کنگو، نیجر، ایندوس (سند)، گنگ، دجله، فرات و ... از دیگر رودخانه های این قلمروند.

کشورهای اسلامی، وارث مرزهای تعیین شده بر اساس منافع استکبار هستند که این مساله، در مواردی آرامش را از آنان گرفته و برخی کشورها را دچار بی ثباتی کرده است. انگلستان به منطقه قدرت بی قید و بندی احتیاج داشت تا در آنجا تداوم استراتژیک امپراتوری اش را از مدیترانه تا عراق، و از مصر تا خلیج

فارس و هند تعیین کند. به این دلیل کشور اردن را پدید آورد و مرز بین این سرزمین با فلسطین اشغالی، رودخانه اردن و اواسط بحرالमित تعیین گردید.

وجود مناطق بی طرف در مرز کشورهای اسلامی نیز پاره ای اختلاف ها و مناقشه ها را بین کشورهای که از این نواحی استفاده مشترک می کنند، پدید آورده است. منطقه بی طرف بین کویت و عربستان سعودی که در سال 1341 ق (1922م) به دلیل وجود ذخایر نفتی مشخص گردید، ناحیه ای غیرنظامی و مهم به لحاظ اقتصادی بود که نفت آن از سال 1954م به طور مشترک استخراج و درآمد آن به طور مساوی بین دو دولت تقسیم می گردید. این منطقه در سال 1969م به طور مشترک استخراج و درآمد آن به طور مساوی بین دو دولت تقسیم می گردید. این منطقه در سال 1969م تقسیم شد و خطی مرزی، منطقه تحت نفوذ دو کشور همسایه را معین کرد. از نتایج این تقسیم، اختلاف کویت و عربستان بر سر جزایر ام المرادیم و قاروره است که در گذشته به منطقه بی طرف تعلق داشت. بین عراق و عربستان، منطقه ای در سال 1922م به وجود آمد تا عراق از حریم دریای مفید خلیج فارس محروم بماند. این منطقه در سال 1981م با توافق طرفین بین دو کشور یادشده تقسیم شد. در حاشیه جنوبی خلیج فارس، دو منطقه بی طرف، یکی میان دوبی و ابوظبی به طول هجده و عرض یک کیلومتر، و دیگری بین عمان و عجمان - که از آن هم کوچک تر است - وجود دارد. علت وجود این واحدهای سیاسی کوچک را باید در سیاست های استعماری بریتانیا جستجو کرد. مرزهای کشورهای مسلمان قاره آفریقا غالباً از سوی استعمارگران مشخص گردیده و با واقعیت های اقلیمی، فرهنگی و بومی و مانند آن انطباق ندارد. از این نظر، هر از گاهی کشمکش هایی میان این سرزمین ها و کشورهای همسایه ایجاد می کند که به مناسبات سیاسی، اقتصاد و فرهنگ آنان لطماتی شدید وارد می نماید.

شکل کشورهای اسلامی نیز در اقتدار سیاسی و نظامی آنان موثر است. کشورهای چون ایران، عربستان، سودان، الجزایر، لیبی و ... به دلیل وسعت نسبتاً زیاد، توانایی پذیرش جمعیت افزون تری را داشته و منابع متنوع و زیادتری دارند. این کشورها در صورت تهدید از سوی دشمن قوی، قادرند در نقاط گوناگون سرزمین خود به تجهیز نیرو و امکانات نظامی بپردازند و خود را تقویت کنند و بنابراین، شانس افزون تری برای دفاع و پیروزی دارند. به علاوه، در این کشورها می توان صنایع مادر، راهبردی و حیاتی را پراکنده و ایمن نمود. البته گاهی این شکل وسیع می تواند به مشکل هم تبدیل شود و آن زمانی است که جمعیت در تمام نقاط توزیع نگردد و عوارض طبیعی و جغرافیایی بین اقوام گوناگون فاصله افکند و راه های ارتباطی مناسبی در این کشورها وجود نداشته باشد. چنان که صحرای سودان، بین اقوام شمالی عرب نژاد

و سپاهان جنوبی شکافی عمیق ایجاد کرده و موجب جنگ داخلی و تمایلات تجزیه طلبانه گردیده است. اما سودان این حسن را دارد که فاصله مرکز حکومت آن تا مرزها تقریباً در همه جا مساوی است. کشورهای کوچک اسلامی که به ویژه با چندین کشور وسیع تر همسایه اند، نگران تهاجم همسایگان بوده و مدام احساس تهدید و خطر می کنند.

برخی کشورها با وجود آن که بخش اعظم خاک شان فشرده است، زایده ای به صورت شبه جزیره یا جزیره دارند که از بدنه اصلی دور گردیده و از طرف سرزمین مجاور محصور گشته و شکل خاصی به آن داده است. افغانستان و آذربایجان این گونه اند. اوضاع زمانی مشکل تر می شود که کشور چندپاره باشد. در این صورت، تمرکز فعالیت های سیاسی - اداری در یکی از این قسمت ها، خود عوارضی منفی به بار می آورد و منشا اختلاف میان واحدهای دیگر می گردد و نظارت حکومت به طور موثر بر اجزای پراکنده با دشواری مواجه می شود.

اندونزی از زمان استقلال، برای اتحاد میان جزایر و فرونشاندن آشوب های جزایر از سوی حکمتی که مرکز آن در جزیره جاوه است، با نابسامانی هایی رو به رو بوده است. مالزی نیز چنین وضعی دارد، زیرا از شبه جزیره مالایا و چند جزیره کوچک تشکیل شده است. بخش شمالی کشور عمان توسط سرزمین امارات از بدنه اصلی سرزمین یاد شده جدا مانده است. کشورهای اسلامی که محصور در خشکی هستند و از دسترسی به دریا دور افتاده اند، از وجود بنادر مواصلاتی محروم اند و توسعه تجاری آنان ناقص است. این کشورها ناگزیرند برای ارتباط با آب های آزاد، از کشورهای همسایه کمک بگیرند. از نظر نظامی نیز این سرزمین ها اقتدار ضعیفی دارند. افغانستان، برخی کشورهای آسیای میانه و سرزمین های آفریقایی توسط خشکی محاصره شده اند.

آب و هوا و ناهمواری ها

از نظر مسائل زمین شناختی بیشتر کشورهای اسلامی شکل کنونی خود را در دوران سوم و چهارم زمین شناسی به دست آورده اند. از نظر ناهمواری این سرزمین ها را به گروه کشورهای هموار، کوهپایه ای و کوهستانی تقسیم می کنند. کشورهایی که در صحراها و عرض های پایین قرار گرفته اند، معمولاً عوارض ارتفاعی کمتری دارند. در عوض، سرزمین های واقع در عرض های بالاتر یا قرار گرفته در فلات ها، ناهمواری ها و بریدگی های زیادی دارند. کشورهای ترکیه با بلندترین قله اش یعنی آرارات، افغانستان با قله مرتفع هندوکش، تانزانیا با بلندترین قله آفریقا کلیمانجارو، ایران و ... ارتفاعات متعدد و پراکنده ای دارند. این مناطق مرتفع اگرچه امکان دارد در تعدیل آب و هوا موثر باشند و منشا چشمه ها، رودخانه ها

و جویبارها گردند و منابع معدنی مهم و مفیدی داشته باشند، در توسعه شبکه ارتباطی کشورهای یاد شده مانع ایجاد می کنند و گاه در شورش برخی اقوام و قبایل که در لابه لای ارتفاعات اسکان یافته اند، بر ضد دولت مرکزی موثرند؛ زیرا آنان در پناه کوه ها به تجهیز قوا و تقویت امکانات می پردازند و این موضوع در وحدت کشور اختلال ایجاد می نماید. کشورهای مالزی و اندونزی ارتفاعاتی با منشا فعالیت های آتشفشانی دارند.

گسترده‌گی دامنه دار سرزمین های خشک، بیابان ها و کویرها، برای تعدادی از کشورهای اسلامی ضایعاتی پدید می آورد. وسعت این عارضه در قاره آفریقا بسیار زیاد است و از غرب تا شرق و نیز بخش اعظم شمال آن را در بر می گیرد. چندین واحد سیاسی مسلمان در صحرای کبیر آفریقا قرار دارند که خشکی، خشونت آب و هوا، تبخیر زیاد، توفان های بدون رطوبت و خسارت های ناشی از این ویژگی ها را تجربه می کنند. تمامی کشورهای خاورمیانه با بیابان آشنایی دارند؛ زیرا بخش مهمی از خاک شان را فراگرفته است و صرفا لبنان که باریکه کم وسعتی در ساحل شرقی مدیترانه است، این شرایط را ندارد. کشورهای جنوبی و مرکزی آسیا نیز از آسیب های مخرب بیابان در امان نیستند، ولی اینگونه نیست که کشورهای اسلامی به طور کامل در مناطق خشک، کم باران، و گرم قرار گرفته باشند. از این رو، این برداشت که جهان اسلام را اقلیمی بیابانی و بی حاصل تشکیل می دهد، کاملا غلط است. کم نیستند کشورهایی که حاوی نواحی سرسبز، پر باران، خوش آب و هوا و چشم اندازهای زیبای کوهستانی، پوشش گیاهی جنگلی و زیست محیط پر جاذبه و مورد توجه گردشگران جهانی هستند. برای مثال، نواحی شمالی، غربی و شمال غربی ایران، کوهستانی و نسبتا سرسبز و خوش آب و هواست. ترکیه به دلیل قرار گرفتن بر ساحل مدیترانه ارتفاعات زیاد، در بیشتر مناطق، آب و هوایی معتدل دارد. مناطق کوهستانی شمال عراق و ناحیه جلگه ای جنوب آن حاصل خیز است و اقلیمی ملایم دارد. لبنان نیز فاقد بیابان است. پاکستان، بنگلادش، مالزی و اندونزی با رودهای فراوان، ارتفاعات قابل توجه و آب و هوای موسمی و استوایی، غالبا منطقه خشک کمتری دارند. سومالی و تانزانیا نیز از مناطق کوهستانی، جلگه و منابع آب قابل توجه برخوردارند.

ویژگی های جمعیتی

بر اساس آخرین گزارش مرکز تحقیقات بین المللی علوم مذهبی، در حال حاضر 1300000000 نفر مسلمان در جهان زندگی می کنند که 21 درصد سکنه جهان را تشکیل می دهند. این در حالی است که 2100000000 نفر، یعنی 33 درصد جمعیت جهان مسیحی اند و 1100000000 نفر به هیچ یک از مذاهب جهان اعتقادی ندارند. این گروه، شانزده درصد جمعیت جهان را تشکیل داده اند. همچنین حدود

780 میلیون نفر از مردم جهان، یعنی چهارده درصد هندوها هستند. چهارصد میلیون نفر پیرو مذهب سنتی چین و 375 میلیون نفر بودایی اند. سیصد میلیون نفر هم از مردم آفریقا پیرو مذاهب ابتدایی هستند. جمعیت جهان اسلام در حال حاضر از رشد فزاینده ای برخوردار است. این پدیده، معلول دو علت است: یکی بالا بودن نرخ رشد کشورهای اسلامی و دیگری گرویدن دیگران به مذهب اسلام. میانگین رشد جمعیت دنیای اسلام 2,5 درصد است، ولی از توازن برخوردار نیست؛ چرا که برخی از آنها همچون ایران، ترکیه، مصر، الجزایر و ... تا حدودی نرخ رشد سکنه خود را کنترل کرده اند. قطب های جمعیتی جهان اسلام عبارت اند از اعراب، بربرهای شمال آفریقا، سیاهان نواحی مرکزی، شرقی و غربی آفریقا، ایرانی ها، کردها، ترک ها، نژاد زرد و مالایا. پرجمعیت ترین کشور اسلامی یعنی اندونزی و از آن پس پاکستان و بنگلادش، نه عرب هستند و نه بر اثر فتوحات مسلمان شده اند، بلکه با تبلیغات مسلمانان دیگر و بر حسب تمایل دینی و جاذبه های دین اسلام، این آیین را برگزیده اند. غربی ها و به ویژه تاریخ نگاران آنان، جهان اسلام را با قلمروی اعراب یکی تلقی می کنند، در حالی که یک پنجم جهان اسلام از نژاد عرب هستند و به زبان عربی تکلم می کنند. البته زبان عربی که زبان قرآن و حدیث است، در وحدت سیاسی، فرهنگی و علمی جهان اسلام تاثیر دارد.

25 درصد مسلمانان، شیعه و بقیه پیرو مذهب تسنن هستند. مهم ترین سرزمین شیعه نشین ایران، و در بحرین، کویت، لبنان، جمهوری آذربایجان، عراق و یمن درصد شیعیان قابل توجه است. به طور متوسط در هر کیلومتر از خاک جهان اسلام، حدود پنجاه نفر زندگی می کنند که این نسبت در برخی کشورها بسیار کمتر و در پاره ای از آنها، بالاتر است. ملت های مسلمان در سال های اخیر به دلیل توسعه امکانات بهداشتی و درمانی و برطرف شدن بسیاری از مناقشه های سیاسی بین المللی و منطقه ای، امید بیشتری به سالمندی یافته اند. میزان امید به زندگی مسلمانان 61 سال است که در مقایسه با دو دهه قبل، اندکی افزایش یافته است. میانگین سنی مسلمانان 24 سال، متوسط عمر 55 سال، میزان زاد و ولد 38 در هزار، و میزان مرگ و میر 15 در هزار گزارش شده است. میانگین بعد خانوار در کشورهای اسلامی پنج نفر است. به طور میانگین 72 درصد از مردان و 54 درصد از زنان بالای پانزده درصد مناطق اسلامی باسوادند.

جمعیت در کشورهای اسلامی بر مسائل سیاسی و موقعیت منطقه ای هر کدام اثرگذار است. در کشورهای عقب افتاده، افزایش سکنه دردسری برای نظام حکومتی بیه شمار می رود، قدرت سیاسی آن را کاهش می دهد و در شرایطی ثبات و تعادل را بر هم می زند. اما در برخی سرزمین ها که افزایش جمعیت با

شاخص های اقتصادی، بهداشتی، علمی و تکنولوژیکی کاملا هماهنگ بوده است، تعداد زیاد آنها، عامل قدرت محسوب می شود و در امنیت و ثبات سیاسی نقش مثبتی دارد. هرچه افراد جامعه از نظر زبان و فرهنگ، آداب و رسوم و جهان بینی خود را متعلق به یکدیگر بدانند، ضریب امنیتی را ارتقا می دهند.

شاخص های اقتصادی

اگرچه تاریخ نگاران و پژوهشگران غربی خواسته اند اهمیت اقتصادی جهان اسلام را کوچک جلوه دهند، واقعیت موجود و آمارهای مستند، خلاف آن را به اثبات می رساند. بدون شک جهان اسلام با وسعت خاک، منابع طبیعی فراوان، نیروی انسانی و موقعیت جغرافیایی مناسب، از نظر اقتصادی توانمند است. بیش از هشتاد درصد منابع انرژی جهان، یعنی نفت، گاز، بسیاری از مواد اولیه کارخانجات و نیز حجم مهمی از محصولات غذایی و دامی در جهان اسلام تولید می گردد.

30 درصد بوکسیت جهان، 35 درصد قلع، حجم قابل توجهی از اورانیوم، سنگ آهن، ذغال سنگ، مس، سرب، روی و پتاس نیز در این قلمرو به دست می آید. بنابراین جهان اسلام از نظر ذخایر معدنی، محصولات کشاورزی و تولید انرژی، بسیار غنی است و مشکلات مربوط به توسعه نیافتگی و عقب افتادگی که در برخی از این سرزمین ها مشاهده می گردد، میراث استکبار است. نقشه ابرقدرت ها این است که کشورهای مسلمان در بحران های سیاسی و منازعات محلی به سر برند تا موفق به توسعه علمی، صنعتی و غنای اقتصادی نشوند؛ زیرا در این صورت، قدرت های بزرگ مهم ترین بازار مصرف محصولات خود را از دست می دهند و نیز از مواد خام این کشورها محروم می گردند.

به رغم وجود زمینه ها و نیازهای مشترک در خصوص گسترش همکاری های اقتصادی و تجاری میان جوامع اسلامی و گرایش روزافزون جامعه جهانی به سوی همگرایی های منطقه ای و بین المللی در عرصه اقتصاد و تجارت، کشورهای اسلامی به دلیل دخالت و نفوذ بیگانگان و وجود اختلاف میان خود، از ضعیف ترین نوع مشارکت در فعالیت های بازرگانی در بین خودشان برخوردارند. بدون تردید تا آنان در این زمینه ها و نیز توسعه علوم و فنون از توان لازم برای رقابت با قدرت های غربی بهره مند نشوند، نخواهند توانست در برابر پیامدها و عوارض منفی سلطه اقتصادی مقاومت کنند. همین واگرایی و عدم تفاهم، موجب شده است که کشورهای مسلمان نتوانند نبض اقتصادی محصولات خود را که خود تولید کننده آن هستند، در اختیار داشته باشند و متاسفانه دیگران، افزایش یا کاهش بهای محصولات را برایشان مشخص می سازند.

مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی در سال 1998م، به یک تریلیون و 199 میلیارد و 455 میلیون دلار بالغ گردید. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی این کشورها حدود سه درصد است. نرخ تورم اقتصادی در سرزمین های مسلمان 12,5 درصد است که با تدابیر به عمل آمده، به تدریج کاهش می یابد. کشورهای مسلمان در سال 1998م، پنج میلیون تن بوکسیت، یک میلیون تن مس، سیصد هزار تن روی، شصت هزار تن سرب، دویست میلیون تن قلع، هزار و پانصد میلیارد لیتر نفت خام و هشتاد میلیون تن فولاد تولید کرده اند. همچنین در این سال، 347 میلیارد و 804 میلیون دلار کالا صادر کرده اند که 6 درصد صادرات کل جهان است، ولی 363 میلیارد و 616 میلیون دلار کالا وارد کرده اند که 6,5 درصد واردات جهانی به شمار می آید. تجارت کشورهای اسلامی نیز 6,3 درصد تجارت جهانی است. سهم صنایع، کشاورزی و خدمات در جهان اسلام به ترتیب 36,5 درصد، 18,2 درصد و 45,3 درصد است. نسبت نیروی کار به کل جمعیت هم 23 درصد می باشد.

درست است که تعداد قابل توجهی از کشورهای اسلامی، سطح پایینی از فعالیت های اقتصادی را دارند، ولی این حکم عمومی نبوده و برخی از این سرزمین ها به سوی صنعتی شدن سرعت و رشد قابل توجهی داشته اند. مالزی، اندونزی، ترکیه و پاکستان این گونه اند. اگر کشورهای اسلامی به جای وارد کردن کالا از نواحی غیرمسلمان، به مبادلات درون گروهی روی آورند، تحرک مهمی در اقتصادشان به وجود می آید. در آخرین روزهای اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران (1379ش) مصوبه ای به تصویب رسید که بارقه ای از امید اجاد کرد و آن تاسیس بازار مشترک اسلامی است و تا کنون تلاش های مهمی برای به راه انداختن آن صورت گرفته است، ولی پیشرفت اجرایی این طرح بسیار کند بوده و از این لحاظ نگرانی هایی را ایجاد کرده است.

بانک توسعه اسلامی، یکی از پنج بانک توسعه بین المللی است که در سال 1975م بنیان نهاده شد. نگاهی به فعالیت های آن نشان می دهد که این نهاد، اگرچه توانسته با تامین مالی پروژه ها و نیازهای مالی و تجاری اعضا، در خصوص رفع فقر و بیکاری و توسعه منابع انسانی و آموزش گام های بلندی در راستای برنامه های رونق اقتصادی جوامع اسلامی بردارد، اما به نظر می رسد 55 کشور عضو آن، با چالش های مهمی رو به رو هستند. مهم ترین این چالش ها، مسائل مربوط به سرازیر شدن سرمایه های خارجی، کم کردن بدهی ها برای آسان شدن مشکلات خدمت به کشورهای فقیر و پیشرفت ملموس در تحقق هدف های توسعه ای در هزاره جدید، و نیز مسائل مربوط به بازرگانی چندجانبه را دربر می گیرد.

سازمان کنفرانس اسلامی

فکر ابتدایی تشکیل اجتماعی از سران کشورهای اسلامی، به دهه 1950م بازمی‌گردد. در سال 1956م (1335ش) رژیم حاکم بر ایران برای میانجی‌گری میان سوریه و عراق، پیشنهاد کرد سران کشورهای اسلامی در خاورمیانه، به منظور رفع مناقشات در ایران تشکیل جلسه دهند. البته اصل موضوع تا مدتی به تعویق افتاد، تا آن که در سال 1339ش از طریق ملک سعود پادشاه عربستان به مرحله عمل نزدیک تر شد؛ زیرا وی دستور داد در موسم حج این سال شخصیت‌های بزرگ اسلامی، کنفرانسی در مکه معظمه برای تبلیغ اسلام، مبارزه با عقاید ضداسلامی و حل مشکلات جهان اسلام تشکیل دهند. این طرح عملی گردید و اعضای این مجلس، سازمان بین‌المللی اسلامی به نام «رابطه العالم الاسلامی» را تاسیس کردند و اعضای موسس آن انتخاب شدند. در اجلاس بعدی آن در سال 1344ش، لزوم تشکیل کنفرانسی از سران کشورهای اسلامی مطرح و تصویب شد. آتش سوزی مسجدالاقصی در سال 1348ش که در پی اشغال بیت المقدس به دست صهیونیست‌ها روی داد، فرصت مناسبی برای ملک فیصل، پادشاه وقت عربستان و همفکران او فراهم آورد تا هرچه سریع‌تر به تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی اقدام کنند.

سرانجام در آغاز مهرماه سال 1348 (سپتامبر 1969) سران 26 دولت اسلامی در رباط، پایتخت مراکش این کنفرانس را به وجود آورده‌اند. این سازمان هم اکنون 55 عضو دارد که به سه گروه کشورهای آسیایی، آفریقایی و کشورهای عربی تقسیم می‌شوند. ضمناً آلبانی از اروپا، آخرین کشوری است که به عضویت این سازمان درآمده است. سه رکن اصلی آن عبارت‌اند از کنفرانس سازمان کشورهای اسلامی، کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی و دبیرخانه سازمان.

کمیته‌های تخصصی سازمان برای پیگیری و مصوبات اجلاس‌های سازمان تشکیل می‌گردند که شامل کمیته‌های موقف دائمی و کمیته‌هایی با وظیفه مشخص است. مرکز تحقیقات و آموزش آمارهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی، مرکز اسلامی توسعه تجارت سازمان، مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی، کمیسیون بین‌المللی حفظ میراث فرهنگ اسلامی، مرکز اسلامی و تحقیقات و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای داکا، مجمع فقه اسلامی، و صندوق همبستگی اسلامی، رگان‌های فرعی سازمان کنفرانس اسلامی به شمار می‌آیند. بانک توسعه اسلامی، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی، سازمان رادیو و تلویزیون کشورهای مسلمان، سازمان خبرگزاری بین‌الملل اسلامی، و کمیته اسلامی

هلال بین‌المللی، در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی، در یک زمینه تخصصی مشخص تشکیل شده اند. این سازمان چندین موسسه وابسته هم دارد.

محورهای فعالیت این تشکیلات، به عنوان اساسی‌ترین نهاد بین‌المللی در جهان اسلام و مهم‌ترین کانون همبستگی و اتحاد میان دولت‌های اسلامی به شرح ذیل است:

- 1 - برخورد با مشکل فلسطین و رژیم اشغالگر قدس
- 2 - تلاش برای برطرف ساختن مناقشات میان کشورهای عضو
- 3 - حمایت از مسلمانان در کشورهای غیرعضو
- 4 - حمایت از اقلیت‌های مسلمان
- 5 - پشتیبانی از پناهندگان مسلمان
- 6 - تلاش برای برطرف ساختن اختلاف میان کشورهای عضو غیرعضو
- 7 - مبارزه با استعمار، نژادپرستی و حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش
- 8 - تشکیل کمیته دوازده نفره بررسی نحوه مواجهه با مشکلات و تحولات جهانی
- 9 - تشکیل مراکز اقتصادی گوناگون با اهداف، اصول و عملکرد خاص
- 10 - تشکیل مراکز فرهنگی
- 11 - تدوین اعلامیه حقوق بشر در جهان اسلام
- 12 - مبارزه با اهانت به ارزشهای اسلامی
- 13 - تدوین استراتژی فرهنگی برای جهان اسلام
- 14 - وحدت تقویم هجری
- 15 - تشکیل مراکز علمی، تکنولوژیکی، مدیریتی و مهندسی
- 16 - تشکیل فرهنگستان اسلامی علوم

پی‌ریزی و ظهور سازمان کنفرانس اسلامی، در پی این ضرورت شکل گرفت که این سازمان بتواند با همکاری دولت‌های عضو، نقش سازنده‌ای در افزایش همبستگی اسلامی و گسترش همکاری همه‌جانبه میان آنان ایفا کند. بر این اساس در منشور این سازمان، بر عزم راسخ کشورهای عضو در اهتمام و مشارکت جمعی در راه حفظ ارزش‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، به عنوان یکی از عوامل مهم پیشرفت و توسعه تاکید شده است. از این رو، تمامی تلاش‌ها از زمان تاسیس این نهاد همواره بر این پایه بوده است که با تقویت و تحکیم همکاری میان سرزمین‌های مسلمانان، در تحقق

نظری و عملی وحدت اسلامی کوشا باشد. این سازمان می تواند با بهره گیری از زمینه های مشترک، امکانات و توانایی های مادی و معنوی موجود در سرزمین های اسلامی، و نیز با نگرش عمیق بر جغرافیای سیاسی و فرهنگی جهان اسلام، از توان لازم برای دفاع از مسائل و منافع جهان اسلام بهره مند گردد. با پر تحرک نمودن نقش این سازمان ها می توان راه را برای تجلی عظمت، اقتدار، استقلال واقعی و توسعه همه جانبه جهان اسلام هموار ساخت. البته سازمان یاد شده به عنوان عمده ترین و فراگیرترین نهاد متعلق به مسلمانان، از زمان شکل گیری رسمی تا کنون نتوانسته است تلاش های گسترده های را در راه حل و فصل مشکلات جوامع اسلامی و تحکیم مناسبات آنان به کار برد.

عضویت کشورهای اسلامی در سازمان های دیگر

کشورهای اسلامی افزون بر آن که در سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن عضویت دارند، در مجامع سیاسی، فرهنگی و علمی دیگر عضوند که از جمله آنها جنبش عدم تعهد است. اندونزی از بنیانگذاران این جنبش به شمار می آید؛ زیرا در ژوئیه 1956، سران اندونزی و یوگسلاوی در جزیره یوگسلاوی به رهبری مارشال تیتو و با شرکت جمال عبدالناصر و جواهر لعل نهرو این تشکل را بنیان نهادند. البته ریشه های پیدایش این جنبش، به کنفرانس باندونگ باز می گردد که در 18 آوریل 1955، با حضور 22 کشور تشکیل شد و اصول ده گانه ای را تصویب کرد. این اصول عبارت است از: احترام به حقوق بشر، احترام به حاکمیت ارضی ملت ها، تساوی نژادها و ملت ها، دخالت نکردن در امور داخلی کشورهای دیگر، حق دفاع مشروع فردی و اجتماعی، خودداری از پیوستن به اتحادیه های نظامی که به ابرقدرت ها خدمت می کند، امتناع از به کار بردن زور، حل مسالمت آمیز اختلاف ها، تشویق همکاری بین الملل، و احترام به عدالت و تعهدات بین الملل. نیمی از 101 کشور عضو این جنبش، از کشورهای اسلامی هستند.

کشورهای اسلامی قاره آفریقا، عضو «سازمان وحدت آفریقا» هستند. در 25 مه 1963 این سازمان در آدیس آبابا (مرکز اتیوپی) با حضور 32 کشور تاسیس شد، اما هم اکنون 51 عضو دارد. منشور این سازمان بر همکاری های سیاسی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی، بهداشتی، علمی و فرهنگی کشورهای عضو استوار است و این اهداف را تعقیب می کند. تقویت اتحاد، هماهنگی، حمایت از استقلال و ریشه کن کردن استعمار. به دلایل ذیل، سازمان یاد شده تا حدودی از اهداف خود فاصله گرفت: نزاع های قبیله ای، اختلاف در زبان و فرهنگ، کودتاهای گوناگون، شورش ها و بحران های سیاسی، نبود ضابطه قوی، گرایش های متضاد در سازمان و دخالت های ابرقدرت ها.

اتحادیه عرب یا الجامعة العربیة، اتحادیه ای است که در سال 1945م با امضای پیمانی بین اردن، سوریه، عراق، عربستان، مصر و یمن در قاهره تشکیل شد. هدف از تاسیس این اتحادیه، به طور عمده حفظ تمامیت ارضی کشورهای عضو و ایجاد تعاون نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین آنها است. لیبی، سودان، تونس، مغرب، الجزایر، جیبوتی، کویت، لبنان، موریتانی، عمان، قطر، سومالی، امارات متحده عربی، یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین بعداً به این اتحادیه پیوستند.

انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) در سال 1967م در بانکوک تاسیس شد که اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند اعضای آن هستند و مقر آن در مرکز حکومت اندونزی یعنی جاکارتا است. ارتقای رشد اقتصادی و ثبات سیاسی در جنوب شرقی آسیا، پایین آوردن تعرفه های گمرکی میان کشورهای منطقه و تشویق اعضا به مبادله برنامه ها و اطلاعات علمی از اهداف این انجمن شمرده می شود.

ایران، الجزایر، اندونزی، امارات متحده عربی، عراق، عربستان، قطر، کویت، گابون، لیبی و نیجریه عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند. این سازمان با هدف هماهنگی خط مشی اعضا و برقرار کردن قیمت های مورد توافق کشورها عضو برای مواد نفتی صادراتی به کشورهای مصرف کننده بنیان نهاده شده است.

شورای همکاری خلیج فارس طی سال های 1360 و 1361ش و بعد از جنگ عراق بر ضد ایران، و به منظور مقابله با صدور انقلاب اسلامی ایران، از سوی شش کشور جنوب خلیج فارس تشکیل گردید که مرکز آن در ریاض است. البته این شورا در سال های بعد، اهداف خود را تا حدودی اصلاح کرد و پی گیر مسائل دیگری شد.

ضرورت ایجاد شبکه اطلاع رسانی جهان اسلام

نکته ای که درخور توجه است و کشورهای اسلامی کمتر بدان توجه کرده اند، این است که آنها باید هرچه سریع تر به اهمیت حیاتی منابع اطلاعاتی برای افزایش بهره وری در جنبه های گوناگون زندگی نظیر برنامه ریزی، سیاست گذاری، تصمیم گیری، تحقیق و توسعه پی ببرند. این کشورها باید تلاش هماهنگ را برای تسلط بر اطلاعات، مدیریت و استفاده موثر از آن، با بهره گیری از جدیدترین فنون و تجهیزات آغاز کنند، و باید گرایش موجود و ادامه واپس ماندگی از طریق استفاده از فن آوری وارداتی متوقف گردد.

جهان اسلام برای تحقیقات تاریخی، هنری، فرهنگی و علمی و ارتقای موقعیت پژوهشی خود باید به یک شبکه اطلاع رسانی واحد مجهز گردد، زیرا زمانی که ارتباط منظم اطلاعاتی محقق نگردد، مانع آگاهی پژوهشگران و سازمانهای تحقیقاتی از برنامه ها و نتایج طرح های پژوهشی یکدیگر می شود. همچنین ناهماهنگی اطلاعاتی، کاستی هایی در مواد و مطالب مرجع ایجاد می کند و موجب انجام کارهای تکراری و موازی می شود. فعال کردن و گردانیدن شبکه اطلاعاتی، رسمی کردن مبادلات اطلاعاتی را ایجاب می کند، به گونه ای که مشارکت فعال موسسات ذی علاقه کشورهای اسلامی برای مقاصد خاص تحقق یافتن شبکه ای اطلاعاتی تامین گردد.

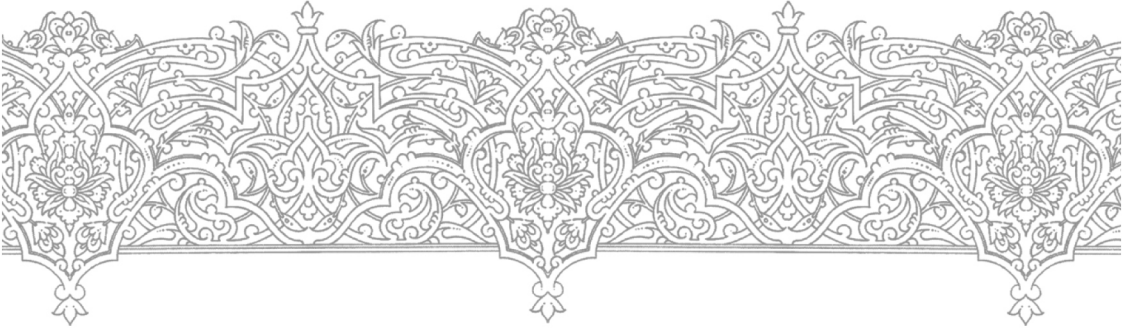
متأسفانه برای رسیدن به این هدف عالی، مفید و پر بار، موانع و مشکلاتی وجود دارد. پراکندگی جغرافیایی مسلمانان، زبان های متعدد، اختلاف نژادی و تفاوت های فرقه ای، آداب و رسوم محلی، سنت های بومی، سطح نازل سواد در برخی کشورها، رشد ناچیز اقتصادی اجتماعی، وابستگی شدید به کشورهای توسعه یافته، دست نیافتن به خودکفایی، فقر منابع و فقدان دانش فنی لازم برای تولید آن، از جمله این معضلات است که باید یا برطرف گردد یا اصلاح و تعدیل شود.

پینوشت:

1. سرزمین اسلام، ص 62، ایولاکست، مسائل ژئوپلیتیک اسلام، دریا و آفریقا، ترجمه عباس آگاهی، ص 7
2. ویژگی های جغرافیایی کشورهای اسلامی، ص 64 - 65
3. دره میرحیدر، مبانی جغرافیای سیاسی، ص 59. همو، گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی، 63؛ سرزمین اسلام، ص 333؛ مصطفی ملکوتیان، جغرافیا و سیاست، ص 106 و 138
4. جغرافیا و سیاست، ص 87 - 90. مبانی جغرافیای سیاسی، ص 97، 114، 128، 166
5. سرزمین اسلام، ص 62 - 63، مسائل ژئوپلیتیک اسلام، دریا و آفریقا، ص 39، ویژگی های جغرافیایی کشورهای اسلامی، ص 3 - 4
6. فرهنگ و پژوهش، پیاپی 189، 27 اردیبهشت 1384، ص 26
7. گروهی از نویسندگان دائره المعارف تشیع، سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، ص 424 - 425
8. گزارش های سازمان ملل متحد و نیز سازمان کنفرانس اسلامی مندرج در شبکه اینترنت.
9. روزنامه اطلاعات، شماره 26، 23156، 26 شهریور 1383
10. اقتباس و ماخوذ از مباحث کشورها سازمان های بین المللی، 14
11. سرزمین اسلام، ص 92
12. (or gani zat i on of Af ri can uni ty (oau-
13. سرزمین اسلام، ص 93
14. گیتاشناسی کشورها، ص 434 - 437



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امّت واحده
با همکارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com